

## مقاله تحقیقی

### دانش بومی مرتبط با اصطلاحات گیلکی گیاهان و درختان خودرو در دهستان بی‌بالان

قاسم حبیبی بی‌بالانی<sup>۱\*</sup>، فاطمه موسی‌زاده صیاد محله<sup>۲</sup>

۱. گروه کشاورزی و منابع طبیعی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

۲. گروه ادبیات فارسی، شبستر، ایران

\*مسئول مکاتبات: habibibalani@gmail.com

محل انجام تحقیق: دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱

#### چکیده

دانش بومی شامل یافته‌ها و تجربیات گروه‌های مختلف مردم که در یک منطقه مشخص زندگی می‌کنند از پیرامون و چگونگی استفاده از اجزای مختلف طبیعت برای رفع مشکلات و موانع موجود در مسیر زندگی در دوران‌های مختلف می‌باشد. روستائیان از زمان‌های طولانی در کاربری گیاهان و درختان در زندگی روزانه دارای پتانسیل فرهنگی و اجرایی فراوان می‌باشند که بر اساس نوع نیاز اقدام به نامگذاری از بخش‌های مختلف گیاهان و درختان نموده‌اند. در این راستا از آنجایی که دهستان بی‌بالان به عنوان یکی از روستاهایی که در نزدیکی جنگل در شرق استان گیلان، در تقسیم بندی اجزای گیاهی و درختی در دسته بندی‌های ویژه ای برای جدا کردن کاربری‌های آنها دارای اصطلاحات ویژه ای می‌باشند که مورد قبول تمامی گویشوران در این منطقه می‌باشد. گردآوری اطلاعات در این تحقیق از طریق مصاحبه و مشاهده از طریق پیمایشی صورت گرفت. نتایج این بررسی نشان داد که ساکنان این منطقه دارای تقسیمات و دسته بندی‌های خاصی برای گیاهان و درختان خودرو منطقه می‌باشند. این اسامی و دسته بندی‌ها برای تمامی گویش وران این منطقه مورد پذیرش و قابل استفاده می‌باشد و منتقل کننده مفهوم خاصی برای هر اسم و یا واژه مورد استفاده است.

#### واژه‌های کلیدی: بی‌بالان، دانش بومی، گیاه، گیلکی، میوه، درخت

#### مقدمه

زمان از مسائل پیرامون هر قوم مانند، گیاهان، پرندگان، جانوران، آفات و امراض، کاربری‌های مختلف زمین، وسایل و ادوات کاربردی و منطقه‌ای و هم‌چنین نوع خاک آن منطقه می‌باشد (۱،۲). به مجموعه این اطلاعات تخصصی در گویش‌ها و فرهنگ‌های مختلف دانش بومی گفته می‌شود. دانش بومی، دانش شفاهی و غیر مکتوبی است که در ارتباط محیطی، اجتماعی و طبیعی گویشوران آن منطقه از طریق سعی و خطا در دوران‌های مختلف به آن رسیده‌اند و به همراه خود دارای سنت‌ها و فرهنگ هر منطقه می‌باشد که در سینه جوامع و قومیت‌های مختلف

از آنجایی که تمام دانش بومی موجود در یک قوم، توسط گذشتگان و نیاکان آن قوم مورد آزمایش قرار گرفته و پذیرفته شده است، در صورت انتقال آن به نسل جدید، به سهولت و بدون هیچ‌گونه نگرانی قابل پذیرش بوده و از آن می‌توان استفاده نمود. دانش بومی از تعامل و سعی و خطای‌های گسترده و طولانی مدت گویشوران با محیط زیست آنان می‌باشد، این دانش راهگشای بسیاری از مشکلات موجود در هر قوم شناخته می‌شود. این دانش ناشی از مشاهدات دقیق، عمیق و گسترده‌ای در طول

می‌تواند حلال بسیاری از مشکلات جوامع علمی و غیرعلمی عصر حاضر گردد (۶).

از جمله مزیت‌های دانش بومی که در یک جامعه ایجاد و ذخیره شده، سازگاری آن بر اساس تغییرات محیطی از یک منطقه به منطقه دیگر می‌باشد و برای مثال می‌توان به کاربردهای مختلف از چوب و تولیدات چوبی جنگلی است، اشاره نمود (۱) که برای هر یک از آن‌ها براساس وضعیت و در بسیاری از موارد برای نحوه مصرف و کاربرد آن نام‌های متفاوتی انتخاب شده است که در یک منطقه جغرافیایی و روستا یا دهستان شناخته شده، پذیرفته شده و مهم‌تر از همه قابل درک و فهم توسط همه گویشوران آن منطقه می‌باشد.

از آنجایی که گویش‌ها و تلفظ‌ها و حتی مدخل‌های بسیاری در استان گیلان می‌توان یافت که از یک روستا به روستای دیگر به‌طور قابل ملاحظه‌ای با هم تفاوت دارد به‌طوری‌که گاهی مفاهیم به‌کلی و نیز بنیادی تغییر می‌کند، نیاز است برای اصطلاحات مورد استفاده، به‌صورت جامع در هر دهستان اقدام به ثبت باورها و خرد گویش‌ها نمود. در ضمن براساس اهداف این تحقیق مقرر گردیده که مدخل‌هایی تخصصی کشاورزی و منابع طبیعی جمع‌آوری و به‌صورت تخصصی روی آن موارد، مطالعه و بررسی صورت گیرد.

برای ثبت لغات و اصطلاحات گویش‌ها و لهجه‌های مناطق مختلف در استان گیلان تاکنون تحقیقات ارزشمندی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به تحقیقات نصرتی سیاهمزیگی (۷)، یوسف‌نژاد و سبزی‌پور (۸)، سبزی‌پور (۹)، ستوده (۱۰)، برهانی‌نیا (۱۱)، مرادیان گروسی (۱۲) اشاره نمود.

با توجه به مطالب ذکر شده، این تحقیق سعی دارد به بررسی و جمع‌آوری اسامی کاربردی برای درختان و گیاهان خودرو در منطقه مورد مطالعه (دهستان بی‌بالان) مورد مصرف قرار می‌گیرد، بپردازد. از آنجایی‌که روز به روز از تعداد گویشوران لهجه گیلکی در منطقه بی‌بالان به‌دلایل مختلف کاسته و با فوت هر کهنسال با تجربه این منطقه، به ناچار و به‌تدریج لغات و اصطلاحات کاربردی از گفتگوی‌های روزانه حذف می‌گردد، این موضوع محققین این تحقیق را بر آن داشت که اقدام به جمع‌آوری و ثبت آن‌ها به‌صورت مقاله علمی و مکتوب نمایند.

از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌شود. با توجه به پیچیدگی‌ها و حساسیت‌های خاص موجود در منابع طبیعی و محیط‌زیست، مجامع بین‌المللی به این نتیجه رسیده‌اند که نیاز به ثبت و کاربری این مفاهیم و اصطلاحات در سطح ملی و حتی بین‌المللی می‌باشند (۳). دانش بومی موجود در اقوام مختلف در هر نسلی نزد کهنسالان آن قوم که از اجداد خود فرا گرفته‌اند، می‌باشد و در حال حاضر به‌دلیل عدم رغبت جوانان به آموختن این دانش غیر مکتوب، با درگذشت هر پیر و کهنسالی در هر قوم به مقدار غیرقابل بیان از این دانش نیز قبل از ثبت و بدون این که از نسلی به نسل دیگر منتقل گردد، از بین می‌رود (۴).

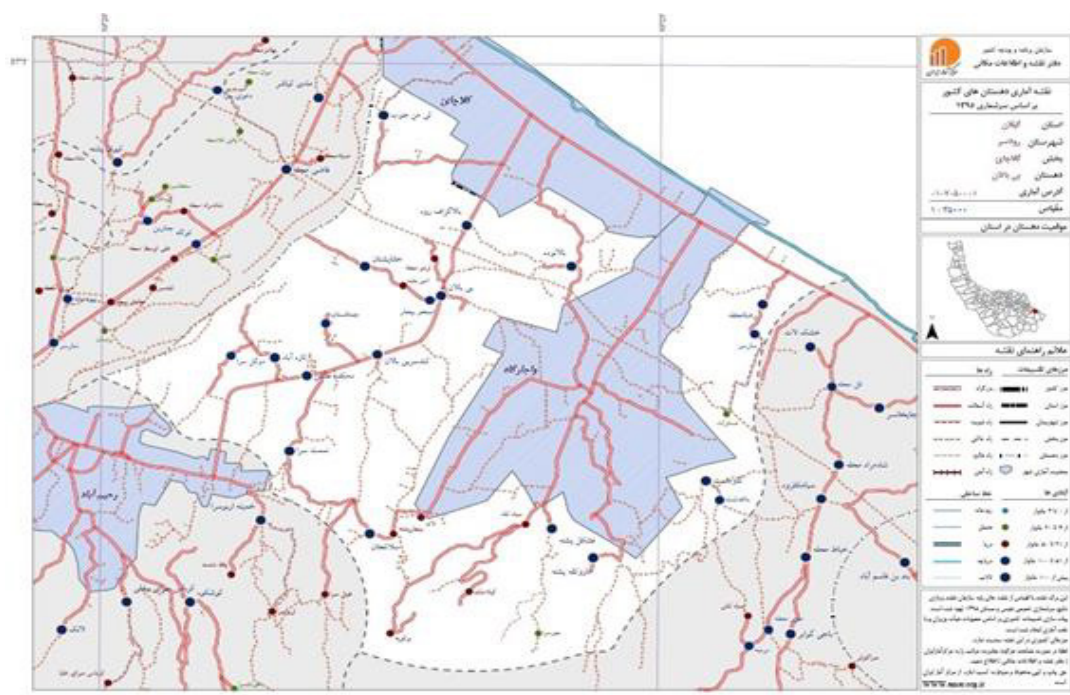
روستائیان مناطق مختلف کشور، در مدت زمان طولانی و با سعی و خطا و گاهی با پرداخت هزینه جانی عزیزان و نزدیکان خود اقدام به اندوخته نمودن دانش بومی فعالیت‌های روزمره و ارزشمند خود نموده‌اند که به‌عنوان پتانسیل‌های بسیار با ارزش و نیز سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی آن دیار به‌شمار می‌آید (۵، ۱). افراد محلی با دانش بومی زیسته‌اند و از توانایی‌های دانش بومی استفاده نموده و خانواده و قوم خود را در برابر بلایای طبیعی حفظ نموده‌اند و به‌نوعی می‌توان گفت این دانش قدرت پیش‌بینی‌کننده برای وقایع کوتاه، میان و بلندمدت را داشته است (۶). لذا ثبت و حفاظت از این مفاهیم کاربردی و سنتی در ارتباط با کشاورزی و منابع طبیعی می‌تواند به‌عنوان میراث معنوی هر قوم تلقی گردد و در انتقال مفاهیم مختلف در فعالیت‌های کشاورزی و منابع طبیعی و کاربرد آن مؤثر بوده و می‌تواند باعث ایجاد محور اصلی توسعه در آن منطقه گردد (۵).

از آنجایی‌که دانش بومی دقیق و از زوایایی موشکافانه به شیوه زندگی و محیط اطراف نگاه می‌کند، می‌تواند به‌صورت دقیق و بسیار گسترده‌تر، به دسته‌بندی عوامل مختلف اطراف خود بپردازد. از منظر دیگر از آنجایی‌که این دانش از نیازهای به‌وجود آمده در دوران‌ها و اعصار مختلف سرچشمه گرفته، به طبع خود مناسب‌ترین و سازگارترین دسته‌بندی‌ها برای محیط پیرامون خود را به همراه دارد. تمامی این دانش انباشته شده و منتقل شده به‌صورت غیرمکتوب از یک نسل به نسل بعد اگر با نیازهای کنونی جامعه در آن دیار مطابقت داشته باشد

## مواد و روش‌ها منطقه مورد مطالعه

دهستان بی‌بالان با مرکزیت روستای بی‌بالان در شهرستان رودسر و در حدود ۲۰ کیلومتری شهر رودسر و ۸۵ کیلومتری شرق شهر رشت (مرکز استان گیلان) در طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۲۳ دقیقه و ۲ ثانیه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۷ درجه و ۳ دقیقه و ۱۲ ثانیه شمالی و در ارتفاع صفر متر از سطح دریای آزاد واقع شده است

(تصویر ۱). محل سکونت ساکنان این دهستان در روستاهای بی‌بالان، کندسر بی‌بالان، چماقستان (بهارسرا)، دهکده قدس، تازه آباد، دوگل سرا، نعمت‌سرا، استخربیجار، امیربنده، اردومحله، خانابستان، بالاگزافرو، بالا نوده، لی مینجوب، سلاکجان، بیجارپشته، لاته (سلاکجان)، سیاه-کله، گیل‌ملک، بزکوبه، فشکل پشت، مازوکل پشت، باغدشت، گاوماست، عسکرآباد و رضا محله می‌باشد (۱۳،۱۴).



تصویر ۱ - نقشه دهستان بی‌بالان (۱۳).

## روش مطالعه

برای مطالعه مدخل‌های تخصصی جمع‌آوری شده در این تحقیق از آنجایی که محققین این مطالعه خود گویشور لهجه گیلکی می‌باشند، ولی به‌منظور استفاده از یک روش علمی و مدون اقدام به تهیه فرم و جدول مخصوص برای جمع‌آوری گردید که به‌صورت پرسش رودرو و یا به‌صورت جمع‌آوری اطلاعات بعد از تکمیل فرم‌ها صورت گرفت. از آنجایی که محققین اصلی علاوه بر گویشور بودن این لهجه، دانش آموخته رشته‌های منابع طبیعی هم می‌باشد، از روی علاقه شخصی از حدود دو دهه پیش اقدام به جمع‌آوری مدخل‌های مربوط به رشته

مرتبط در گویش گیلکی دهستان بی‌بالان اقدام می‌نمود، ولی به‌منظور مدون نمودن و نیز کنترل چگونگی تلفظ و نیط جمع‌آوری مدخل‌های اصیل گیلکی که امروزه کاربرد کم‌تری دارند، از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹ اقدام به جمع‌آوری و مصاحبه از پیش‌کسوتان شغلی و محلی اقدام نمودند. در این مصاحبه‌ها از پرسشنامه ثابت به‌دلیل این که پرسش شونده را در محدودیت انتخاب پاسخ‌ها قرار می‌داد استفاده نشد. بلکه از شیوه پرسش ساختار یافته که از قبل محقق سوالاتی را به‌منظور دستیابی به مدخل‌های مورد نظر و تخصصی رهنمون می‌ساخت، از پرسش شونده سوال گردید. به‌عنوان نمونه با نشان دادن یک درخت (مثلا

**(آوانگاری براساس APA)**

آخته / *æxte* / میوه زغال اخته  
 آربه / *ærbe* / میوه خرمالوی جنگلی که به اندازه فندق است و وقتی خام است رنگ آن زرد و پس از رسیده به رنگ قهوه‌ای سیر می‌شود. از میوه رسیده این درخت دوشاب خرمالوی جنگلی تهیه می‌شود.  
 آربه خوچ / *ærbae xavdz* / میوه گلابی جنگلی به اندازه گردو، درخت گلابی جنگلی  
 آرزه ملک / *ærzemaalæk* / پیچکی که میوه های آن به اندازه نخود می‌باشد. زیر پوست میوه این گیاه ماده‌ای لاستیک مانند و کش‌دار می‌باشد.  
 آشکونه / *avskaone* / گیاهی علفی و خودرو که از برگ تازه و بهاره آن خورش آشکونتره درست می‌کنند.  
 آنارجه / *ænardze* / گیاهی طبی که در بهار می‌روید و برای پختن پلو سبزی مورد استفاده قرار می‌گیرد.  
 انجیل / *ændzil* / میوه درخت انجیر  
 انجیل دار / *ændzil dar* / درخت انجیر  
 آب تک / *abtæk* / نوعی گیاه، گیاه " آب تره". علفی که در اوایل بهار یا اواخر اسفند رشد می‌کند و جهت تعلیف دام مورد استفاده قرار می‌گیرد. گل‌های این گیاه سفید یا آبی است.  
 آبدار خوچ / *abdaz xavdz* / گلابی و امرود آبدار  
 آسون دار / *ason dar* / درخت انجیلی، آسین در پهلوی به معنی آهن می‌باشد. این درخت به دلیل این که دارای چوبی سخت می‌باشد به نام آسون دار در بسیاری از مناطق گیلان معروف است.  
 آغوز دار / *aghavdzdar* / درخت گردو  
 آغوز سیل / *aghavz sil* / پوست سبز و نارس میوه گردو  
 آغوز مغز / *aghavz mæghz* / مغز گردو  
 آهین دار / *ahmdar* / مراجعه شود به "آسون دار"  
 بادم / *badaom* / بادام (بادام درختی و یا بادام زمینی هر دو به این نام گفته می‌شود)  
 بارنگو / *baræŋav* / که با تلفظ "وارنگو" نیز گفته می‌شود. نوعی سبزی که از آن کوکو سبزی درست می‌شود.  
 بیوتار / *baupavtaer* / رسیده (میوه)  
 برس برس / *bæres bæres* / زمان رسیدن میوه و محصولات کشاورزی  
 بلبی / *belbt* / مراجعه شود به "ترش واش"  
 بور / *baur* / بوته تمشک

درخت بلوط بلند مازو) از پرسش شونده سوال می‌شود که: "ما در بی‌بالان به این درخت چه می‌گوییم؟" که جواب پرسش شونده در این مورد این بود: "مازی دار". این شیوه برای گیاهان، حیوانات، پرندگان و وسایل و ادوات مورد استفاده قرار گرفت و جواب‌های داده شده توسط پرسش شونده فقط یک مدخل و شیوه تلفظ آن‌ها بود که ثبت می‌گردید. در ادامه به منظور جمع‌آوری اطلاعات تکمیلی از مدخل‌ها محققین اقدام به طراحی سوالات نیمه ساختار یافته که در زمینه رشته تخصصی محققین بود از پرسش شونده پرسیده می‌شد که نتیجه این سوال و جواب‌ها توضیحات فنی و تجربی و گاه تاریخی از وسایل و ادوات و نیز شیوه اجرای کارهای تخصصی کشاورزی و منابع طبیعی و نیز مدخل‌هایی که امروزه کاربرد کمتری دارد دسترسی یافته و ثبت گردیدند. در این تحقیق برای آوانگاری مدخل‌ها از شیوه آوانگاری APA استفاده گردید.

از آنجایی که هدف از جمع‌آوری مدخل‌های کاربردی در فعالیت‌های تخصصی گرایش‌های مختلف کشاورزی و منابع طبیعی بود، سعی شد که مصاحبه شونده‌گان نیز به صورت تخصصی شاغل در آن شغل و پیشه باشند. همان‌گونه که ذکر شد از آنجایی که محققین بومی منطقه مورد مطالعه (دهستان بی‌بالان) می‌باشند، در روند مصاحبه و تحقیق روابط صمیمانه موجود بین سوال-شونده‌گان و پرسش‌شونده‌گان سهولت دسترسی به اطلاعات دقیق و گسترده تخصصی و تجربی پرسش‌شونده‌گان دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. در این تحقیق در طول دوره مطالعه ذکر شده سعی شد که از مدخل‌های ذکر شده تصاویر واضح و گویایی نیز ثبت گردد تا در زمان مناسب مورد استفاده قرار گیرد. در نهایت پس از جمع‌آوری اطلاعات از طریق فرم‌ها و پرسش‌نامه‌ها محققین اقدام به جداسازی و دسته‌بندی اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق فیش‌برداری و دسته‌بندی مدخل‌ها برای گرایش‌ها و تخصص‌های مختلف از قبیل زراعت، برنج‌کاری، باغداری، چایکاری، آبیاری، پرندگان، جانوران، شیلات، محیط زیست، جنگل و چوب و غیره گردید که در این مقاله مدخل‌های مربوط به گیاهان و درختان خودرو بررسی و ارائه می‌شود.

**نتایج**

چَرَمَ واش / *tʃæraem waf* / علف‌هایی که روی تپه کود حیوانی سبز می‌شود و به دلیل بالا بودن مقدار ازت در این علف‌ها اغلب توسط گاو و گوسفند چریده نمی‌شوند.

چروم / *tʃaoraom* / گیاه ارزن

چروم دونه / *tʃaoraom daone* / ارزن

چره واش / *tʃær waf* / نوعی علف بلند که حیوانات تمایل زیادی به چریدن آن دارند.

چوچاغ / *tʃaotʃagh* / گیاه قنطریون، گیاهی خودرو که برای ترشی و سبزی پلوی شب عید مورد استفاده قرار می‌گیرد. برگ‌های این گیاه بر روی زمین پهن می‌باشد و در تابستان ساقه‌های نرک ماندنی از وسط برگ‌ها ظاهر می‌شود و انتهای شاخه‌های این نرک گل‌هایی به رنگ آبی ظاهر می‌شود و بعد از تبدیل شدن به بذر به شکل گوی‌های خاردار در انتهای هر ساقه دیده می‌شوند که به این گوی‌ها "چوچاغ تیف" گویند.

چوچاغ تیف / *tʃaotʃagh tf* / بذرهای خاردار گیاه چوچاغ که در انتهای ساقه‌های نرک مانند این گیاه در تابستان تشکیل می‌شود.

چیکه واش / *tʃike waf* / نوعی گیاه که برگ‌های آن روی زمین گسترده شده و دارای ریشه‌های قوی می‌باشد. این گیاه به صورت گیاه چند ساله می‌باشد و حیوانات از برگ آن تعلیف می‌نمایند.

چیم / *tʃim* / گیاهی بدون ریشه و الیافی شکل که در آب-های گرم و مرداب‌ها و استخرها به خصوص در تابستان ظاهر

می‌شود و به رنگ سبز می‌باشد.

خال واش / *xalwaf* / سبزی وحشی معطر و خوراکی از تیره نعناع

خر وی / *xær wie* / درخت بیدی که دارای برگ‌های بزرگ می‌باشد.

خرزیتون / *xær zetaom* / درخت زیتون تلخ، درخت زیتون وحشی، این درخت دارای گل‌های بنفش و معطر می‌باشد و چوب آن سخت و خوش نقش است.

خوج دار / *xavdʒ dar* / آلاش، درخت گلابی وحشی

دار چَچ / *dar tʃætʃ* / خزه درخت

دچیک / *detʃik* / نوعی گیاه که از طریق بذرهای خاردار به لباس یا پشک و کُرک حیوانات می‌چسبد و از این طریق باعث جابجا شدن و انتقال بذر می‌گردد.

بول / *baol* / تمشک تازه روییده شده در بهار که بعد از پوست کندن خورده می‌شود.

بولوش / *baolof* / میوه تمشک

بولوشه / *baolaoʃe* / نهال و ترکه جوان و تازه روییده شده درختان.

بوله / *baole* / نهال و ترکه جوان و تازه روییده شده درختان.

پلادار / *pla dar* / درخت بزرگ

پلت ولگ / *plet wælg* / برگ درخت افرا پلت

پیتینیک / *pitnik* / گیاه پونه از تیره نعناعیان

پیلام / *pilaom* / گیاه آقطنی - روستایی در اشکورات شهرستان رودسر. این روستا از نظر ارتفاعی بالاترین ارتفاعی است که در گیلان در آن ارتفاع برنج کشت می‌شود.

پیلوم کله / *pilaom kæle* / زمینی که در آن گیاه آقطنی رشد می‌کند.

تال / *ral* / گیاه کاسنی

تال تیتی / *tal titi* / گل گیاه کاسنی

ترش سیب / *taorʃe sib* / سیب ترش جنگلی

ترش واش / *taorʃe waf* / گیاه ترشک

تل واش / *tælewaf* / علف تلخ، نوعی علف هرز که اندام‌های آن تلخ است.

تله زیتون / *tælezetaom* / درخت زیتون تلخ، درختی که دارای میوه‌های بسیار تلخ و دارای روغن زیاد می‌باشد. چوب این درخت بسیار سخت و خوش نقش می‌باشد. گل‌های این درخت بسیار معطر بوده و از میوه این درخت پرندگان همانند سار و توکا در زمستان پر برف تغذیه می‌نمایند.

تموش / *taomaof* / بوته‌های خاردار تمشک

تورش هلی / *taorʃ hæli* / آلوچه ترش

تورشه انار / *taorʃe ænar* / انار ترشی که از آن رب انار درست می‌شود. این نوع انار به صورت خودرو بیش تر در مناطق ساحلی رشد می‌نماید.

تی تویی / *ti tawi* / مراجعه شود به "آسون دار"

چا هیل / *tʃa hıl* / پرسپاوشان، علفی که در داخل چاه‌های قدیمی و گلی رشد می‌کند.

چَچ / *tʃætʃ* / خزه‌های روی تنه درخت

شال انجیل / *fal ændzil* / انجیر وحشی غیر خوراکی، انجیر  
 نر  
 شال زیتون / *fal zietæon* / درخت زیتون تلخ، درختی که  
 دارای میوه‌های بسیار تلخ و دارای روغن زیاد می‌باشد.  
 چوب این درخت بسیار سخت و خوش‌نقش می‌باشد. گل-  
 های این درخت بسیار معطر بوده و از میوه این درخت  
 پرندگان همانند سار و توکا در زمستان پر برف تغذیه می-  
 نمایند.  
 شال فیس / *fal fis* / قارچ کوچک توخالی که بعد از فشار  
 دادن هاگ‌های آن به صورت پودرهای سیاه رنگی از آن  
 خارج می‌شود.  
 شال کولا / *fal kaola* / قارچ  
 شال هیل / *fal hil* / نوعی گشنیز خودرو که غیرقابل  
 مصرف می‌باشد.  
 شاله فیس / *fal fis* / نوعی قارچ سیاه رنگ توخالی که در  
 وسط آن گرده‌های سیاه رنگی که هاگ‌های قارچ می‌باشد  
 قرار دارد.  
 شب خوس / *fæb xaos* / درخت گل ابریشم  
 شت / *fæt* / پوست درخت  
 شت کشین / *fæt kæfen* / پوست کندن تنه درختان و شاخه-  
 های درختان، در آوردن الیاف کنف و کتان از ساقه‌های آن.  
 شو غوز / *faughaoz* / درخت شب خوسب، درخت گل  
 ابریشم  
 شوخوس / *faoxaos* / درخت گل ابریشم  
 شوقوز / *faughaoz* / درخت گل ابریشم  
 شیشار دار / *fifar dar* / شمشاد  
 شیطان کُلا / *fitan kaola* / قارچ چتری  
 غیش / *ghif* / کمربندی از پوست درختان  
 کال کال چن / *kal kal tfen* / میوه نارس چیدن  
 کال کنوس / *kal knaos* / ازگیل خام  
 کرف / *kæræf* / سرخس پر عقابی، گیاهی خودرو تا ارتفاع  
 دو متر  
 کل مازی / *kæl mazi* / درخت بلوط نرک و بدون میوه  
 کوپ / *kaop* / درخت نمودار، درخت عذار  
 کوف / *kaof* / درخت نمودار، درخت عذار  
 کول دار / *kaol dar* / درخت لرگ  
 کول دم / *kaoldaom* / نوعی علف در کنار مزارع و باغات  
 چای، حیوانی که دارای دم بریده و یا کوتاه می‌باشد.

دچیک واش / *detfik waf* / نوعی گیاه که برگ‌های آن  
 روی زمین کسترده شده و دارای ریشه‌های قوی می‌باشد.  
 این گیاه به صورت گیاه چندساله می‌باشد و حیوانات از  
 برگ آن تعلیف می‌نمایند.  
 دیوزیت / *drvzit* / درخت زیتون تلخ، درختی که دارای  
 میوه‌های بسیار تلخ و دارای روغن زیاد می‌باشد. چوب این  
 درخت بسیار سخت و خوش‌نقش می‌باشد. گل‌های این  
 درخت بسیار معطر بوده و از میوه این درخت پرندگان  
 همانند سار و توکا در زمستان پر برف تغذیه می‌نمایند.  
 رز دار / *ræz dar* / گیاهانی که دارای شاخه‌های خزنده  
 می‌باشند و به دیگر درختان می‌پیچند.  
 رماج / *remadz* / گیاه رماج، برگ این گیاه برای درمان  
 دمل‌های چرک آلود مناسب می‌باشد.  
 رماجه ولگ / *remadze wælg* / برگ گیاه رماج، برگ این  
 گیاه برای درمان دمل‌های چرک آلود مناسب می‌باشد.  
 روغن واش / *raoghæn waf* / علف روغنی، نوعی سبزی  
 خودرو با برگ‌های گوشتی و چرب که با آن نوعی خورشت  
 سبزی به نام "اوشکونه" درست می‌شود.  
 ریبه / *ribe* / گل‌های شاتونی نر درختانی مانند فندق و  
 گرد و گل‌های ماده درختانی مانند توسکا و لرگ  
 زلک / *zælek* / هسته تارس گوجه سبز، بخش انتهایی  
 جست‌های نورسته تمشک در بهار که تلخ می‌باشد.  
 سرخ هلی / *saorx hæli* / آلوچه قرمز  
 سرخ هلی دار / *saorx hæli dar* / درخت آلوچه قرمز  
 سنگ خوج / *sen xaodz* / نوعی امرود دوحشی، نوعی  
 گلایی وحشی (امرود) دیررس که بعد از چیدن و ذخیر در  
 زمستان قابل مصرف می‌شود.  
 سیال / *sial* / درختی که حداکثر دارای ارتفاع دو نیم متر  
 می‌باشد و از ساقه‌های آن سبد و "سفه" بافته می‌شود.  
 سیم / *sim* / گیاهی بدون برگ که در مناطق دارای آب  
 زیر زمینی بالا مانند حاشیه دریا و مرداب‌ها رشد می‌کند.  
 ساقه‌های بلند و سوزنی این گیاه برای حصیربافی مورد  
 استفاده قرار می‌گیرد. ظاهر این گیاه شبیه به جوجه تیغی  
 می‌باشد.  
 سیم کله / *sim kæle* / منطقه‌ای که گیاه "سیم" رشد می-  
 کند.  
 سیم گوده / *sim gaode* / حالت کروی گیاه "سیم". گلوله  
 سیم، توده و کلاف سیم.

ولگوم / *wælgəom* / نوعی پیچک دارای برگ‌های پهن که دور درختان جنگلی می‌پیچد. برگ این گیاه بسیار مقوی برای خوراک دام می‌باشد.  
وی دار / *wi dar* / درخت بید  
هسیب / *hestib* / سیب ترش جنگلی

#### بحث

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ساکنان دهستان بی-بالان از درختان و گیاهان خودرو به شکل‌های مختلف به صورت سنتی استفاده می‌کنند و برای هر کدام از این کاربری‌ها اصطلاح ویژه‌ای را مورد استفاده قرار می‌دهند. این اصطلاحات هرچند که تاکنون به صورت مکتوب ثبت نشده‌اند ولی از نظر تمامی گویشوران این اصطلاحات منتقل کننده مفهوم منحصر به فرد برای آن کاربرد مد نظر می‌باشد.

بر اساس مطالب ذکر شده گویشوران بومی این منطقه بخشی از اجزای جدایی‌ناپذیر در کاربری درختان و گیاهان خودرو می‌باشند که به فراخور شیوه مصرف اقدام به نام‌گذاری آن‌ها نموده‌اند که هیچ‌یک از نام‌ها و اصطلاحات مورد استفاده ذکر شده در زبان فارسی کاربرد ندارد و مختص این گویشوران می‌باشند که هر یک کاربری خاص چوب از نسلی به نسل دیگر به صورت غیرمکتوب و شفاهی منتقل شده است که با مطالعات حبابی بی‌بالانی و همکاران (۱،۵) هم‌خوانی دارد. این نوع دانش بومی در صورت ثبت و انتشار به صورت مطالعات علمی و تخصصی نه تنها در از بین رفتن و به فراموشی سپردن آن‌ها در عصر حاضر که نسل جدید علاقه بیش‌تری به گویش غیر زبان مادری و محلی خود می‌باشند، جلوگیری می‌کند، بلکه حتی می‌تواند در بسیاری از موارد در معادل‌سازی اصطلاحات علمی و کاربردی زبان‌های دیگر به کمک متخصصین امر آمده و با گزینش اصطلاحات بومی و منطقه‌ای کشور در هر چه غنی‌تر شدن دامنه لغات زبان تخصصی فارسی به‌عنوان زبان رسمی و ملی کشور گردد که تحقیق انجام شده بارانی (۳) نیز موید این موضوع می‌باشد.

کول شت / *kaol. šæt* / پوست کنده شده درخت لرگ ("کول") که برای بستن کوله بار هیزم و یا به‌عنوان طناب برای بستن چوب‌های سقف تلمبارها و "کوتوم"ها (کومه‌ها) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کولر / *kaoler* / گیاهی که در مناطق مرطوب و مردابی رشد می‌کند و از برگ‌های پهن آن که حدود دو متر طول دارد حصیر بافته می‌شود که به "کولری حصیر" معروف می‌باشد از نظر کیفیت از "گالی حصیر" کم ارزش‌تر می‌باشد.

کونوس / *kaonaos* / ازگیل

کونوس دار / *kaonaos dar* / درخت ازگیل

کیش / *kif* / شمشاد

گاولوش / *gaw blaof* / بوته تمشکی که دارای میوه‌های بزرگ تمشک باشد.

گرکن دار / *gerkæandar* / درخت گردو

گلاتن / *gelaten* / کاشتن درخت یا نهال، دفن کردن، خاک کردن

گوروس / *gaoraos* / گیاه سورگوم، گیاهی با ارتفاع دو متر و دارای خوشه‌های آویزان که از آن برای ساخت جارو استفاده می‌شود.

لِله / *læle* / گیاه خیزران، گیاهی از تیره خیزران که در مناطق شمال ایران رشد می‌کند و در سقف خانه‌های گالی پوش مورد استفاده قرار می‌گیرد. از ساقه‌های این گیاه به عنوان چوب آبکشی از چاه (چاگاچ) نیز استفاده می‌شود.

للیک دار / *lelik dar* / درخت لیلیکی، درخت کرات

لیش / *lif* / نوعی پیچک که در جنگل به ساقه درختان می‌پیچد.

ماریخ / *marix* / درختچه‌ای شبیه زالزالک و به رنگ سیاه.

مازی دار / *mazi dar* / درخت بلوط

میالسک / *mialesk* / رز شک جنگلی

وارنگو / *waræŋav* / که با تلفظ "بارنگو" نیز گفته می‌شود. نوعی سبزی معطر از تیره نعنا که از آن کوکو سبزی درست می‌شود.

واش / *waf* / علف هرز

#### منابع مورد استفاده

1. Habibi Bibalani, G., Mohamadpour, P., Mosazaded SayadMahaleh, F., 2019. Local and native names Aceraceae, Hamamelidaceae, Leguminosae, Fabales, Betulaceae, Ebenaceae, Fagaceae,

- Buxaceae, Juglandaceae trees in Iran. Applied Biology. In press. [in Persian].
2. Joudi, L., Habibi Bibalani, Gh., 2010. Exploration of medicinal species of Fabaceae, Lamiaceae and Asteraceae families in Ilkhji region, Eastern Azerbaijan Province (Northwestern Iran). Journal of Medicinal Plants Research 4(11): 1081-1084.
  3. Barani, H., 2006. Knowledge (A case study of specialized concepts of range management among herders of eastern Alborz). Social Sciences 13(34.35): 13-40 [in Persian].
  4. Kiyasi, Y., Forouzeh, M., Mirdeilami, S., Niknahad, H., 2020. Ethnobotany of edible, medicinal and industrial plant species in Khosh Yeylagh Rangeland, Golestan province. Indigenous Knowledge 6(11): 151-204 [in Persian].
  5. Habibi Bibalani, G., Mohamadpour, P., Mosazaded SayadMahaleh, F., 2019. Local name of some trees in Gilan province. Iranian Journal of Biological Sciences 14(3): 1-13 [in Persian].
  6. Frozandeh, M., Heshmati, G., Barani, H., 2017. Investigation of indigenous knowledge for identification and classification of environmental elements to improve rangeland management (case study: Nomads of dilegan in kohgiloie and boirahmad Province). Indigenous Knowledge 4(7): 33-72 [in Persian].
  7. Noursrati Siamazgi, A., 2017. Taleshi Dictionary. Ilia Culture, Rasht, Iran, pp. 279 [in Persian].
  8. Yousef Nezhad, A., Sabzalipour, J., 2017. Tati Karnaghi Dictionary. Ilia Culture, Rasht, Iran, pp. 270 [in Persian].
  9. Sabzalipour, J., 2011. Tati Dictionary, Ilia Culture, Rasht, Iran, pp 425 [in Persian].
  10. Soutoudeh, M., 2016. Gilaki Dictionary, Ilia Culture, Rasht, Iran, pp. 330 [in Persian].
  11. Bourhani Nia, K., 2007. Tati Rudbari Dictionary, Ilia Culture, Rasht, Iran, pp. 368 [in Persian].
  12. Mouradian Garousi, A., 2016. Gilaki Bousar Dictionary. Ilia Culture, Rasht, Iran, pp. 221 [in Persian].
  13. Agricultural Jihad Organization of Guilan Province, 2014. Agricultural Statistics and Information Center [in Persian].
  14. National Statistics Center of Iran, 2020. Map of BiBalan village. Iran Statistics Portal. amar.org.ir [in Persian].